



تأثیر تورم غیرمعمول و غیرقابل پیش‌بینی در ایجاد حق فسخ برای پیمانکار در پروژه‌های مبتنی بر شرایط عمومی پیمان*

سهیل رواقی اردبیلی^۱

احمد یوسفی صادقلو^۲

پژمان پیروزی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲

چکیده

قراردادهای پیمانکاری نشریه شماره ۴۳۱۱ سازمان برنامه و بودجه کشور معروف به قرارداد شرایط عمومی پیمان، در حالی تدوین گردیده است که پیمانکار حسب قرارداد منعقد فی مابین خود و ترجیحاً کارفرمای دولتی، از اختیارات لازم جهت فسخ برخوردار نبوده و به نوعی قرارداد به وی تحمیل می‌گردد. بروز تورم به دلیل اتخاذ سیاست‌های دولت در رابطه با اهداف خود، بر پیچیدگی‌های آثار ناشی از قراردادها افزوده و در برخی موارد سبب به بن بست رسیدن آن می‌گردد. بطوریکه با افزایش غیرقابل پیش‌بینی دستمزد کارگران، مصالح، تجهیزات، بیمه و ... مورد استفاده و استناد در قراردادهای پیمانکاری با طرف دولتی یا عمومی، عملاً موضوع قرارداد دچار خدشه شده و پیمانکار تمایلی به آنچه تعهد نموده است را نخواهد داشت. در این تحقیق ضمن بررسی توصیفی - تحلیلی این موضوع، مشاهده می‌گردد که به دلیل عدم توجه کارفرما نسبت به حقوق پیمانکار به اقتضای زمان به دلیل تورم ایجاد شده بالاخص به سبب ماهیت قراردادهای دولتی که قابل توسعه به قراردادهای خصوصی نیز می‌باشد، حق فسخ برای پیمانکار در موضوع بروز تورم ایجاد می‌شود.

کلید واژه‌ها

حق فسخ، تورم، شرایط عمومی پیمان، تعدیل، قرارداد، ماده ۴۳.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (*برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد)

^۲ استادیار دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول): ahmadyousefiasadeghloo2021@iau-tmb.ac.ir

^۳ استادیار دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران

مقدمه

توسعه کشور در مرحله اول، جز با پیشرفت، تحقق و بهبود ساختار عمرانی میسر نخواهد بود. همه عناصر سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و ... نیاز به ساخت و ساز و به عبارتی تدارک زیرساخت لازم در بخش‌های عمرانی خواهند داشت. به عبارتی اولین قدم در اعتبار بخشیدن به توسعه هر کشوری در شاخص‌های بین‌المللی، لزوم تمهیدات و مقدمات فوق‌الذکر می‌باشد. تامین هزینه‌های مربوط به ساخت و ساز در پروژه‌های دولتی یا پروژه‌هایی که به نحوی دولت در آن ذینفع یا سرمایه‌گذار می‌نماید، نیاز به بودجه دولتی و تعریف آن در لایحه بودجه تقدیمی ریاست‌جمهوری به مجلس پس از تصویب در ردیف‌های مربوطه از قبیل تعلق منابع مالی به مانند منابع ملی، استانی، تهاتر با نفت، تخصیص اعتبارات از محل ماده ۵۶، ماده ۲۳ و ... می‌باشد، که متعاقبا نسبت به عملیاتی شدن آنها اقدام به عمل می‌آید. در همین راستا کارفرمای دولتی یا موسسات عمومی به ناچار از اصول و قراردادهای خاص و از قبل آماده شده (تیپ) و یک طرفه به نفع دولت که به مجموعه شرایط عمومی پیمان در رسته‌های مختلف معروف می‌باشد تبعیت نموده و قوه ابتکار و مدیریت پروژه در شرایط حساس که سرنوشت پروژه بدان وابسته است را از دست می‌دهد (سلب می‌شود). به عبارتی با توجه به ساختار این نوع قراردادها، متعهد (پیمانکار) اعمال حق فسخ احتمالی ایجاد شده خود را با توجه به مفاد مورد اشاره در آن، سلب شده می‌بیند و در صورت بروز موانعی بالاخص تورم، خود را در اجرای آنچه بدان تعهد نموده است با مشکل مواجه شده و حقوق وی دچار خدشه خواهد شد.

هر چند لزوم احترام به قراردادهای با موضوع اصل لزوم در ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران، چه لازم و چه جایز به استناد آیه شریفه «العفو بالعقود» برای طرفین امری لازم و محترم شمرده شده است و طرفین می‌بایست به تعهدات خود در قبال هم وفادار باشند ولی تحت شرایطی اجرای این تعهدات از جانب متعهد، از حمایت قانونی برخوردار نخواهد بود. از سویی دیگر خیارهای از جمله موضوعاتی است که می‌تواند این اصل را دچار خدشه نماید. با توجه به ماهیت عقود لازم به استناد ماده ۱۸۵ قانون مدنی طرفین حق فسخ معامله را صرفا در مواردی که قانونگذار آن را تبیین نموده باشد خواهد داشت. در برخی موارد از اقسام خیارها، حتی با اسقاط کافه خیارها هم، حق فسخ در مواردی برای متعهد برقرار می‌باشد. (شهبیدی ۱۳۹۸، ۶۱) و علت این موضوع حقوق مکتسبه متعهد از آنچه بدان سهو یا جهل دارد منعکس می‌شود.

اصل آزادی قراردادها:

قراردادهای عمومی و اداری برای رفع نیازهای دولت در جهت برنامه تبیین شده، منعقد می‌شود و بالطبع در آن می‌توان انتظار داشت که منافع دولت مقدم بر منافع طرف دیگر قرارداد باشد. اصل آزادی قراردادها

به مانند آنچه در ماده ۱۰ قانون مدنی در نظر گرفته شده به دلیل ماهیت خدماتی و عمرانی دولت نسبت به مردم، نسبت به طرف دولتی دارای محدودیت می‌باشد. به عبارتی طرف دولتی، بجز آنچه در آیین نامه‌های مربوطه بدان امر شده است تکلیفی نخواهد داشت. زیرا طرف منعقد کننده قرارداد در حقیقت به عنوان نماینده دولت یعنی خود دولت و نه به عنوان وکیل، قیم یا ولی قرارداد را منعقد می‌کند و در صورت تخلف، نه از باب مسئولیت مدنی، بلکه تخلف اداری بر آن حاکم می‌باشد. لازم به ذکر است «خسارتی که ناشی از تقصیر و خطای مستخدم است، وقتی از طرف دولت قابل جبران است که تقصیر مزبور، تقصیر اداری دولت را تشکیل دهد و وقتی مستخدم مسئول پرداخت خسارت است که تقصیر شخصی او مطرح باشد». (طباطبائی موتمنی ۱۳۸۷، ۳۸۰) از طرفی به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی، اصل آزادی اراده‌ها در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد مورد تأکید قرار گرفته است. به عبارتی طرفین با رعایت شرایط قانونی و عرف و مصلحت اجتماعی در تنظیم قراردادها آزاد و به استناد اصل لزوم، ملزم به رعایت آن هستند. به رغم پذیرش اصل آزادی قراردادها در تمام نظام‌های حقوقی و لزوم احترام به مفاد تراضی طرفین، تاثیر حوادث اجتماعی و اقتصادی در فاصله انعقاد تا اجرای قرارداد^۱ انکارناپذیر است. در اصل آزادی قراردادها، در صورت بروز حوادث غیرقابل پیش بینی و تغییر بنیادی در اوضاع و احوال زمان انعقاد عقد، امکان فسخ و یا تجدیدنظر برای طرفی که با دشواری و یا ضرر غیرمتعارف روبرو شده^۲ تحت عنوان تعدیل قرارداد فراهم گردیده است. (الماسی و عزیززی و افشارنیا ۱۳۹۹، ۴۱)

بررسی شروط غیرمنصفانه در قراردادها:

هر چند اصل آزادی اراده‌ها در حقوق سنتی مورد تأکید قرار گرفته است و حقوقدانان متاخر هم به پیروی از آن اصل آزادی اراده‌ها را مقدم بر هر اصول دیگر تأکید نموده‌اند اما بر پایه حقوق بین‌الملل جدید بالاخص «قانون نمونه تجارت الکترونیک سال ۱۹۹۶» توسط کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل سازمان ملل متحد (آنسیترال) که تصویب آن و دیگر قوانین مد نظر آن با اجماع و نه با رای‌گیری، به عنوان متن پیشنهادی به دولت‌های اروپایی با حفظ استقلال خود، مبادرت به تصویب آن بنمایند نزد دولت‌ها از مقبولیت بالایی برخوردار است. (رواقی اردبیلی، ۱۴۰۲) نیاز به پیروی از قوانین و مصوبه‌های بین‌المللی که در راستای یکنواخت نمودن تجارت بین‌الملل نهادینه می‌شود بیش از پیش احساس می‌شود. دستورالعمل ۹۳/۱۳ اتحادیه اروپا در خصوص شروط غیرمنصفانه، شرطی را غیرمنصفانه می‌داند

^۱ در فاصله انعقاد تا اتمام (قبل از تحویل موقت) قرارداد، صحیح می‌باشد.

^۲ تعلق تعدیل به عنوان قانون علی‌الاصول در شرایط عمومی پیمان، تبیین نشده است و صرفاً به عنوان دکترین حقوقی مطرح می‌باشد. فلذا اطلاق وضعیت مطلق به عنوان امری حتمی، ناصحیح می‌باشد. (نویسنده)

^۳ رواقی اردبیلی، سهیل. (۱۴۰۲). «امکان سنجی حق فسخ پیمانکار در پروژه‌های دولتی یا عمومی». چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق ساخت، دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی، تهران، ایران.

که: «اولا خلاف حسن نیت باشد ثانيا سبب ایجاد عدم تعادل قابل توجه در حقوق و تعهدات قراردادی طرفین، به ضرر مصرف کننده شود.» اصل آزادی قراردادی در جایی قابل احترام است که طرفین در سطح اقتصادی برابر قرار گیرند و طرف ضعیف از فرط اضطراب، ناچار به پذیرفتن تمام شرایط طرف قوی نباشد. و گرنه دولت‌ها ناگزیر هستند که با وضع مقررات خاص از ناتوان در برابر توانا حمایت کنند و بدین تمهید تساوی بین طرفین عقد را تأمین نمایند.» آنچه بیش از حد، در قراردادها با شرط غیرمنصفانه بجز عدم شفافیت شرط و یا پیچیده بودن آن که برای طرف ضعیف سخت می‌باشد این موضوع است که ممکن است شرط به صورت کاملا شفاف به مصرف کننده ارایه شود و وی هم مفاد آن را کاملا مطالعه کرده و مفهوم آن و اثر حقوقی مترتب بر آن را بفهمد؛ اما باز هم امکان انتخاب آگاهانه و اثرگذاری بر محتوای قرارداد را نداشته باشد یا ممکن است برخی عرضه‌کنندگان با دارا بودن قدرت انحصاری، کنترل بازار را نیز در دست داشته باشند و با ارایه تعداد محدودی از ارقام، حق انتخاب را برای مصرف کننده سلب نمایند. (عادل و شمس الهی ۱۳۹۷، ۲۵)

نمونه‌های مختلفی از تفسیر و احکام دادگاه‌های کشورهای اروپایی در پابندی به تعدیل قرارداد در قراردادها با شروط غیرمنصفانه مشاهده می‌شود. همین موضوع در تعدادی از مواد قانونی ایران هم حسب موضوع آن قانون نیز قابل مشاهده است. «قضیه فیوجی در نظام حقوقی ایتالیا و قضیه پاراولانتن در حقوق آلمان از جمله مواردی است که در آن شرط غیرمنصفانه براساس حقوق اساسی، بی اثر شناخته شده است.» (اسدی، پارساپور و بادینی ۱۳۹۷، ۲۳)

از قرن هفدهم میلادی در حقوق انگلستان، دادگاهها علیرغم احترام به اراده طرفین، در برخی موارد منجمله در قراردادهای با شروط غیرمنصفانه و خلاف وجدان به مانند پرونده Lord Denning ورود نموده و رای مقتضی نیز صادر می‌نمایند. نظریه غیرمنصفانه بودن قراردادها تحت عنوان «قانون شروط غیرمنصفانه قراردادی مصوب ۱۹۷۷»^۱، نه الزاما در همه قراردادها با شروط قراردادی غیرعادلانه، بلکه عمدتا در راستای حمایت از مصرف کنندگان در قبال شروط محدودکننده عرضه کننده خدمات یا کالا، مد نظر قرار گرفته است. (شیروی ۱۳۸۱، ۱۴).

قوانین اشاره شده به شروط غیرمنصفانه در حقوق ایران به مانند ماده ۱ (بند ۵) قانون حمایت از مصرف کننده که تحمیل شروط غیرعادلانه را از مصادیق تبانی شمرده است، ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک که شروط غیرمنصفانه به ضرر مصرف کننده را غیر موثر شناخته است، ماده ۷ قانون حمایت از مصرف کنندگان خودرو که این شروط را در برابر مصرف کننده غیرقابل استناد محسوب نموده است، ماده ۴۵ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (بند ط) که تحمیل شرایط قراردادی غیرمنصفانه را مصادقی از سوءاستفاده از وضعیت اقتصادی مسلط و در نتیجه عمل ضد رقابتی قلمداد نموده و تحمیل

^۱ Unfair Contract Terms Act of 1977.

چنین شروطی را ممنوع نموده است، ماده ۱۷۹ قانون دریایی که در صورتی که دادگاه‌ها قرارداد را ناعادلانه تشخیص دهد، ممکن است شروط مزبور را ابطال یا تعدیل نماید، ماده ۸ قانون کار که «شروط مذکور در قرارداد کار یا تغییرات بعدی آن در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور ننماید» که حاکی از توجه قانونگذار به شروط غیرمنصفانه می‌باشد، بند ۸ ماده ۵۴ قانون دریایی مصب ۱۳۴۳/۶/۲۹ و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۹۱/۸/۱۶ که «هر گونه شرط یا توافق در قرارداد باربری به منظور سلب مسئولیت متصدی باربری یا کشتی یا محدود کردن مسئولیت مزبور در مورد فقدان بار یا خسارت وارده به آن ناشی از غفلت یا تقصیر و یا تسامح در انجام وظایف و تعهدات مصرحه در این فصل باطل و بلااثر خواهد بود.» و یا در ماده ۱۱۸ و در باب حمل مسافر «در صورتی که قبل از وقوع حادثه منتهی خسارت در قرارداد، شروطی به منظور بری ساختن متصدی حمل و نقل در مقابل مسافر (نماینده او و وراث و یا اشخاصی که تحت تکفل او هستند) شده باشد و یا در مورد تحدید مسئولیت، مبلغی کمتر از آنچه در این فصل ذکر گردید تعیین شود یا در موردی که اثبات امر به عهده متصدی حمل باشد تغییری داده می‌شود و یا آن که شرط شود اختلافات به داوری یا دادگاه مخصوص ارجاع گردد شرایط مذکور باطل است...» که مواد قانونی فوق‌الاشاره، حاکی از بطلان شروط غیرمنصفانه در حقوق دریایی نیز می‌باشد. (رواقی اردبیلی، ۱۴۰۲)^۱

آنچه در مواد قانونی فوق‌الذکر با دیگر قراردادها حائز اهمیت است این موضوع می‌باشد که قراردادهایی که در آن حقوق طرف ضعیف دچار خدشه می‌شود چگونه می‌توان با استناد به حقوق دریایی یا قانون تجارت الکترونیک یا دیگر قوانین خاص که حقوق مصرف‌کننده را تامین می‌کنند مورد حمایت قرار داد. «یکی از بهترین راه حل‌ها در تفسیر قوانین، این است که متن هیچ قانونی بدون توجه به سایر قوانین تفسیر نگردد و به همه قوانینی که در آن زمینه تاکنون تصویب شده اند، توجه شود. و از آنجا که قواعد و مقررات دربردارنده حقوق اساسی مندرج در قانون اساسی از لحاظ سلسله مراتب حقوقی در مرتبه بالاتری از سایر قواعد و مقررات قرار دارند، پس در تفسیر قوانین نیز، قواعد اساسی باید بالاتر از دیگر قواعد قرار بگیرند.» (اسدی، پارساپور و بادینی ۱۳۹۷، ۲۳) اما از سویی دیگر اینگونه عنوان می‌شود که «ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک را به اعتبار شیوه الکترونیکی انعقاد قرارداد، قانونی خاص محسوب می‌شود و باید پذیرفت که به دو دلیل عمده ناچار به تفسیر مضیق و محدود این ماده و حکم آن می‌باشیم. دلیل نخست ملاحظات و اصول کلی حقوقی می‌باشد و دلیل دوم ملاحظات غیرحقوقی... که روح کلی حاکم بر قانون تجارت الکترونیک نمی‌توان از وحدت ملاک استفاده نمود» (تقی زاده و احمدی ۱۳۹۴، ۱۰) آنچه می‌توان از این اختلاف نظر ارایه نمود این است که هدف غایی قانونگذار از تصویب قوانین بالاخص قوانین متاخر که نسبت به زمان متریقی تر و با ملاحظه شرایط و اوضاع و احوال فعلی

تدوین می‌گردد الویت و تبعیت از قوانین متاخر نسبت به قوانین مقدم هر چند با پایه و استدالات فقهی و حقوقی، اولی تر می‌باشد و به عبارتی تفسیر موسع از آن با روح عدالت و انصاف منطبق خواهد بود.

۱- توازن در قراردادها:

آنچه هدف طرفین از قرارداد می‌باشد سودی است که در قیل از انعقاد در ذهن دارند. این سود بر مبنای محاسبات طرفین از آنچه تعهد می‌کنند قبل از انعقاد قرارداد بوجود آمده و در اتمام مدت پروژه به مرحله نهایی می‌رسد. امروزه تلاش فراوان می‌شود که، اگر حادثه نامنتظری اجرای تعهد ناشی از عقد را به غایت دشوار سازد، به گونه‌ای بتوان قرارداد را تعدیل (قراردادی، قانونی یا قضایی) یا فسخ کرد. این تلاش‌های نظری، بر فرض که به نتیجه برسد، دو نظریه غبن حادث (قهرمانی، ۱۳۷۰) ^۱ و غبن موجود در زمان عقد را مخلوط نمی‌کند. برای استناد به غبن حادث، که «نظریه حوادث پیش بینی نشده» شهرت پیدا کرده است، شرایطی بیش از غبن موجود در زمان عقد لازم است: باید حادثه نامنتظر خارجی باشد و متعهد را دچار مشقت و حرج کند و در واقع شاخه‌ای از اجرای قاعده «عسر و حرج» است. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ۱۸۶: ۵) (رواقی اردبیلی، ۱۴۰۲) ^۲

۲- ناممکن شدن اجرای تعهد پس از تشکیل قرارداد:

ناممکن شدن اجرای تعهدات پس از تشکیل قرارداد از مهم ترین بخش‌هایی می‌باشد که در پروژه‌های دولتی می‌توان بدان اشاره نمود. تورم و آثار آن بر کندی پیشرفت پروژه و حتی تعطیلی کارگاه به دلیل عدم امکان اجرای تعهدات از مواردی است که کارفرمایان دولتی با آن دست به گریبان هستند. «قوه قاهره» عبارتست از اینکه نیرویی مقاومت ناپذیر و خارجی و به طور معمول طبیعی (مانند سیل، زلزله و طوفان و ...) مانع از انجام دادن تعهد شده است. از سویی دیگر «حادثه ناگهانی» حادثه‌ای است نامنتظر که ناگهان رخ می‌دهد و مانع از اجرای تعهد می‌شود خواه خارجی و طبیعی باشد یا داخلی مانند بیهوشی و خون دماغ. (کاتوزیان، ۱۳۹۷، ۱۸۲: ۴) برای تعیین قوه قاهره موثر بر پروژه‌ها، ارکانی چون «خارجی بودن»، «مقاومت ناپذیری»، «ممکن نبودن پیش بینی» را می‌توان عنوان کرد. با آنچه در عنوان «قوه قاهره» و «حادثه ناگهانی» گذشت می‌توان به این نتیجه قطعی رسید که تأثیر هر یک از آنها فارغ از نحو ورود آن‌ها به پروژه، یکسان می‌باشد بطوریکه در هر دو، سبب مانعی جهت انجام تعهدات می‌شود. همین موضوع در ماده ۲۲۹ قانون مدنی هم تأکید گردیده است.

^۱ پایان نامه.

^۲ مقاله.

۳- فورس ماژور:

شرایط حادثه قهری عبارتست از خارجی بودن، غیرقابل دفع بودن و غیر قابل پیش بینی بودن. با توجه به اینکه موضوع پیمان با توجه به تعیین مدت پیمان از موارد «وحدت مطلوب» می باشد، در آثاری که از وحدت مطلوب منشعب می گردد به دلیل عدم قصور متعهد در آنچه از حیطة وی خارج است وی ملزم به جبران ضرر و زیان نخواهد بود. از سویی دیگر در ماده ۲۲۷ قانون مدنی که علت خارجی را از موانع مسئولیت متعهد می داند باید متذکر شد که منظور ماده از کلمه علت خارجی، کلیه عللی است که بیگانه از متعهد می باشد خواه داخلی باشد و خواه خارجی. بیگانه بودن علت عدم انجام تعهد، در صورتی رفع مسئولیت از متعهد می نماید که او نتواند علت مزبور را خنثی و از تاثیر بیندازد و الا هر گاه قادر باشد که از تاثیر آن جلوگیری کند و اقدام ننماید، تقصیر در انجام تعهد کرده و مسئول خسارات وارده بر «متعهده» می باشد. در خصوص موضوع بحث (تورم) باید متذکر بود که ترقی قیمت در بازار هر چه باشد ولو به مقداری که متعهد نتواند از عهده ایفاء تعهد برآید فورس ماژور محسوب نمی شود.^۱ فورس ماژور عبارتست از عوامل طبیعی غیرقابل جلوگیری است مانند سیل، طوفان، زلزله و برف و امثال آن. "کافرتوی" عبارتست از حادثه‌ای که از ناحیه مکلف نبوده و از عوامل طبیعی نیز نباشد. مانند اغتشاش، حمله مسلحانه در حقوق فرانسه کلمه فورس ماژور در معنی وسیع خود به کافرتوی نیز گفته می شود. به نظر می رسد که پیروی از حقوق فرانسه مناسب باشد و هر دو مورد به عبارت حادثه که رفع آن خارج از حیطة اقتدار مکلف باشد گفته می شود. (امامی ۱۳۹۵، ۲۸۸-۲۹۳ و ۷۱۶ : ۱) در همین رابطه به بخش «بررسی موضوع تغییر اوضاع و احوال در حقوق ایران» در این مقاله ارجاع داده می شود. پس با این اوصاف، تورم مصداقی از فورس ماژور می باشد که نتیجه آن تحت تاثیر قراردادن موضوع قرارداد می باشد.

۴- بررسی و تحلیل موادی از قانون دریایی در رابطه با ایجاد حق فسخ برای بیمانکار:

در این رابطه به بررسی موادی چند از قوانین موضوعه بالاخص مواد ۱۳۱، ۲، ۱۵۰ و ۱۵۴^۴ قانون دریایی، که نتایج حاصله از آنها، موثر در تفهیم ایجاد حق فسخ برای بیمانکار در پروژه‌های مبتنی بر

^۱ در تفکیک حوادث طبیعی و غیر طبیعی باید قابل به تفکیک شد.

^۲ ماده ۱۳۱ - عدم حرکت کشتی:

هرگاه کشتی نتواند به علت ممنوع بودن تجارت با بندر مقصد و یا محاصره اقتصادی بندر مقصد و یا به علت قوه قهریه حرکت کند قرارداد مسافرت کان لم یکن تلقی می گردد و هیچ یک از طرفین حق مطالبه خسارت از طرف دیگر را نخواهد داشت.

^۳ آثار قوه قهریه (فورس ماژور):

الف - در صورتی که کشتی نتواند به علت قوه قهریه از بندر خارج شود قرارداد اجاره برای مدت متعارف به قوت خود باقی می ماند و خسارات ناشی از تأخیر در حرکت کشتی قابل مطالبه نخواهد بود.

^۴ ماده ۱۵۴ - منع تجارت:

شرایط عمومی پیمان می‌باشد پرداخته می‌شود. آنچه از واژه «کان لم یکن» در ماده ۱۳۱ قانون فوق‌الذکر به ذهن متبادر می‌شود باطل بودن عقد است. به عبارتی به دلیل ممنوع بودن تجارت و محاصره اقتصادی یا به علت قوه قهریه که اگر بصورت مطلق در نظر گرفته شود و دقیقاً همین هم مد نظر قانونگذار می‌باشد شامل دایمی و مقطعی بودن عقد، که نهایتاً ابطال خواهد بود. در ماده ۱۵۰ همین قانون نیز، آنچه برای مدت متعارف عقد اجاره کشتی را معتبر کرده است احتمال رفع قوه قاهره در مدت معقول و متعارف به مانند تخریب شدن بندر به دلیل زلزله یا طوفان‌های دریایی که امکان حرکت کشتی را غیر ممکن کرده باشد. اما آنچه در این سه ماده دریایی جالب توجه است ماده ۱۵۴ است که در تناقض با دو ماده دیگر صرفاً حق فسخ می‌دهد. در صورتیکه به استناد قواعد حقوق مدنی به مانند تعذر تسلیم یا بند سوم ماده ۳۴۸ علی‌الاصول می‌بایست عقد باطل می‌شد نه ایجاد حق فسخ. زیرا حق فسخ زمانی است که در صورت عدم اعمال حق فسخ متعهدله در قدم اول، وی بتواند به طرق دیگر به مانند آنچه در مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ به عنوان شرط فعل نسبت به تحقق مورد تعهد اقدام نماید و در صورت عدم امکان آنها، نهایتاً حق فسخ خود را اعمال کند. اما در ماده ۱۵۴ مستقیماً حق فسخ نهاده شده است. نتیجتاً اینکه آنچه این مبحث را با موضوع این مقاله پیوند می‌دهد تاثیر قوه قهریه می‌باشد که در آن عملاً امکان اجرای تعهد به واسطه تورم غیرمعمول و غیرقابل پیش‌بینی برای پیمانکار به سبب تاثیر منفی آن در قیمت اقلام، مصالح، تجهیزات، دستمزد نیروی انسانی، تامین غذا، البسه، لوازم ایمنی نیروهای انسانی و... غیرمقدور می‌نماید.

بررسی موضوع «تغییر اوضاع و احوال» در حقوق ایران:

هر گاه به سبب بروز حوادث عام غیرقابل پیش‌بینی بدون اینکه امکان مقابله آن وجود داشته باشد، تعادل و توازن قراردادی به هم بخورد و یا اهداف قرارداد تغییر نموده و اجرای قرارداد با مشکل مواجه گردد، در صورت امکان، قرارداد توسط مرجع قضایی تعدیل و یا حسب مورد معلق، منحل و یا فسخ می‌گردد. البته باید به این مسئله توجه داشت که در تطبیق نظریه فورس مازور با این نظریه، ذکر این نکته مهم لازم می‌باشد که در فورس مازور اجرای تعهد ولو با مشقت بسیار و صرف هزینه گزاف عملاً ممکن نیست. این نظریه صرفاً موجب دشواری و تحمیل هزینه گزاف و صعوبت اجرای قرارداد می‌گردد. اثر تغییر اوضاع و احوال، این است که به مرجع قضایی اجازه می‌دهد تا قرارداد را به «حد معقول» برگرداند و خسارت به وجود آمده در اثر آن را بین متعهد (پیمانکار) و متعهدله (کارفرما) توزیع نماید.

الف- اگر قبل از حرکت کشتی تجارت با کشوری که کالا به مقصد آن بارگیر شده ممنوع شود قراردادهای مربوطه بدون پرداخت خسارات فسخ می‌گردد ولی فرستنده محموله مسئول تأدیه هزینه بارگیری و تخلیه کالا خواهد بود.

معقول سازی قرارداد و تعدیل آن، ممکن است با کاهش میزان تعهد یا افزایش ارزشی که متعهدله باید پردازد صورت پذیرد. (ابراهیمی و اوبارحسین ۱۳۹۱، ۲)

نظریه «تغییر اوضاع و احوال» که در حقوق بین‌الملل خصوصی که از آن به هاردشیپ تعبیر می‌شود عبارتست از وقوع عامل خارجی با شرایط مقرر در این نظریه، که امکان اجرا و ادامه عملیات موضوع پیمان را غیرمقدور می‌نماید. ماده قانونی که می‌تواند به این نظریه مرتبط نمود. ماده ۶۵۲ قانون مدنی می‌باشد. آنچه با دقت در این ماده مشاهده می‌شود در بحث قرض که موضوع ادای دین یا انجام تعهد می‌باشد قانونگذار حسب شرایط و اوضاع و احوال مقتضی، شرایط زمان اداء را معیار تدوین این ماده قانون لحاظ نموده است. به عبارتی در راستای انجام تعهد، به هر حالت حتی بصورت اقساط که منظور از آن عودت وجه می‌باشد قانونگذار بر این موضوع تاکید نموده است. «بنابراین نمی‌توانیم به طور صریح به مواد قانونی در این زمینه اشاره کنیم. از سویی دیگر مقصود از «اوضاع و احوال» مندرج در ماده ۶۵۲ قانون مدنی بیشتر به اوضاع و احوال زمان انعقاد عقد و مبنای طرفین از عقد قرض بر می‌گردد تا اوضاع و احوال مدیون...» (الماسی و عزیززی و افشارنیا ۱۳۹۹، ۴۱) یا به عبارتی از نظر حقوقی این اصل بدین معناست که هر قراردادی که منعقد می‌شود، این شرایط در آن است که معامله تا زمانی بین طرفین لازم‌الوفاء است که اوضاع و احوال زمان قرارداد دچار دگرگونی بنیادین نگردد. که نتیجه و ضمانت اجرای اولیه تغییر اوضاع و احوال، تعدیل قرارداد است که هم مطابق با استحکام قرارداد است و هم مطلوب قصد مشترک طرفین. و چنانچه طرفین بر تعدیل توافق نکردند، «حق فسخ» حکم نهایی است که به عمر قرارداد خاتمه می‌دهد. (جلالی و آرایبی ۱۳۸۹، ۸۲) از آنچه دیگر می‌توان به سبب‌های ناشی از تغییر اوضاع و احوال اشاره کرد موضوع «عقیم شدن» و سبب سقوط تعهدات، در حقوق کامن لا می‌باشد که مطابق قواعد این دکتین، طرفین قرارداد از مسئولیت اجرای تعهدات مربوطه مبری خواهند بود. باید توجه داشت در قراردادهای دولتی تفاوتی بین قوه قاهره و تغییر اوضاع و احوال که از آن به هاردشیپ تعبیر می‌شود وجود ندارد. زیرا ماهیت هر دو مورد، نتیجه عدم اجرای قرارداد خواهد بود. به استناد ماده ۲۲۹ قانون مدنی در فورس ماژور (قوه قاهره) قانونگذار آن را از موارد عدم امکان الزام متعهد به اجرای تعهدات دانسته و از سویی دیگر در تغییر اوضاع و احوال در پروژه‌های دولتی یا عمومی نیز به دلیل عدم رغبت قانونگذار به تعدیل قراردادها در صورت عدم پیش بینی در قرارداد، کاملاً مشهود بوده که نتیجتاً عدم امکان اجرای تعهد به توسط متعهد خواهد بود که نتیجه یکسانی در هر دو مورد ایجاد خواهد شد. به همین خاطر در ماده ۴۳ شرایط عمومی پیمان «...حوادث مشابه خارج از کنترل دو طرف پیمان که در منطقه اجرای کار وقوع می‌یابد...» تلفیقی از فورس ماژور (قوه قاهره) و تغییر اوضاع و احوال که تورم مصداقی از آن می‌باشد قلمداد شده است.

مبنا و قابلیت حق فسخ در پروژه‌های دولتی:

در قراردادهای پیمانکاری، اجرای کار در مدت معین هدف است و طولانی تر شدن موجب تضرر کارفرما می‌گردد و بر اساس قاعده «لاضرر»، حق فسخ برای کارفرما به جهت تأمین منافع عمومی محقق می‌شود. قاعده لاضرر حکمی حکومتی و قضایی بوده و دستورالعمل صادره بر مبنای ماده ۲۳ قانون برنامه مصوب ۱۳۵۱ بر این اصل استوار است. شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور در رای شماره ۲۱/۱۱۶۷ پرونده ۲-۳۰۶۹/۲۴، شرایط عمومی پیمان را فاقد اعتبار یک مصوبه قانونی دانسته و غیر قابل استناد به زیان اشخاص ثالث برشمرده است. بیشتر موارد اختلاف پیمانکار و کارفرما به فسخ قرارداد از طرف کارفرما مرتبط می‌شود. این اقدام کارفرما آیا مصداقی از اعمال «خیار شرط» است یا «خیار تخلف از شرط»؟. خیار شرط نتیجه تراضی و خیار تخلف از شرط نتیجه، نتیجه تخلف از تراضی و امتناع از اجرای عقد است. آنچه می‌توان در این خصوص بیان کرد خیار اعمال شده از نوع خیار تخلف از شرط می‌باشد. قراردادهای در قالب شرایط عمومی پیمان هر چند دارای روح قوانین مدنی می‌باشد ولی با توجه به اینکه در راستای مصلحت عمومی و سیاست‌های برنامه توسعه چهارم و پنجم تدوین می‌گردد مصادیقی از قراردادهای حقوق عمومی تلقی می‌گردد. آنچه در اعمال فسخ توسط کارفرما صورت می‌گیرد احراز عدم توانایی یا عدم تمایل پیمانکار در اجرای موضوع موافقتنامه می‌باشد. ولی آیا شتاب زدگی کارفرما در اعمال حق فسخ در راستای منافع سیاست‌های پیش بینی شده حاکمیت یا دولت و بهره برداری از پروژه در طول عمر مفید آن خواهد شد یا پیمانکار می‌تواند پس از فسخ یکجانبه کارفرما، نسبت به جبران ضرر و زیان وارده در مراجع قضایی درخواست مطالبه این ضرر و زیان را بنماید؟ پیمانکار هم می‌تواند به استناد تعلیق بیش از سه ماه، عدم تحویل زمین بصورت مطلق، انقضاء مدت پیمان، به علت پر شدن مبلغ پیمان در صورت وضعیت، به دلیل ناتوانی کارفرما در انجام وظایف خود از حق فسخ خود استفاده نماید. اما در خصوص انفساخ پیمان در بروز حوادث قهری، صرفاً به نحوه جبران آن اشاره شده است و در مورد حیات اعتباری پیمان بحثی به میان نیامده است که این خود منشاء بروز اختلاف و شبهه می‌باشد. آنچه در موضوع تغییر اوضاع و احوال اقتصادی در موضوع پیمان رخ می‌دهد امکان تجدیدنظر در پیمان میسر می‌باشد و این درخواست حسب تبصره ۸۰ قانون بودجه مصوب ۱۳۵۸ میسر می‌گردد. با توجه به این که قراردادهای پیمانکاری در نتیجه توافق دو اراده کارفرما و پیمانکار به وجود می‌آیند؛ حقوقدانان در جستجوی پیدا کردن مبنای درج خیار، نظریات متفاوتی ابراز داشته اند. گروهی خیار فسخ را بر پایه حکومت اراده و مفاد تراضی توجیه می‌نمایند و دست‌های دیگر مبنای خیار را جبران ضرر ناروا و اجرای عدالت اجتماعی در قراردادها و حفظ حقوق دولتی می‌دانند با توجه به صراحت ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان و هدف طرفین از انعقاد قرارداد که اجرای پروژه عمرانی عمومی در زمان و با شرایط مشخص است و طرفین صرفاً برای مبلغ قرارداد با هم مذاکره (مناقصه) می‌نمایند، باید مبنای خیار فسخ پیش بینی شده در پیمان را قراردادی دانست، اتخاذ این مبنا در پیمانهای دولتی با هیچ یک از ایراداتی که

اتخاذ آن در پاره‌ای از عقود مطرح می‌شود، مواجهه نمی‌گردد. توضیح این که پذیرش این نظر مبنی بر ارادی بودن خیار فسخ در قراردادهای در بسیاری از موارد با این ایراد کلی مواجه می‌گردد که تحقق امر، موجب فسخ در واقع بر سلامت اراده اولیه اثر می‌گذارد و در تراضی حاصل شده اخلاص می‌نماید. در حالی که به قول «مرحوم نایینی» به نقل از شاگرد ایشان، «شیخ موسی خوانساری» در «منیه الطالب»، خیار فسخ در واقع وسیله‌ای برای جبران عیب رضا و اشتباهی است که دو طرف یا یکی از آنها در جریان تراضی دچار آن می‌شوند، به ویژه آنکه سبب و علت برخی خیارات بعد عقد مشخص می‌شود. (یوسفی صادقلو، رواقی اردبیلی ۱۴۰۲: ۸۲) در مورد خیار پیش بینی شده در پیمانهای دولتی نیز با توجه به این که موارد ایجاد کننده چنین حقی برای کارفرما در ظرف زمانی آینده تحقق می‌یابند، بنابراین موارد فسخ مزبور هیچ گونه تاثیری بر رضای زمان انعقاد پیمان طرفین ندارد، بلکه حسب مورد صرفاً یکی از طرفین به ادامه توافق ایجاد شده رضایت نمی‌دهد». (رزاقی، ۱۳۹۵) «در قراردادهای پیمانکاری، دو طرف می‌خواهند که بر پیمان خود، در شرایط عادی استوار بمانند ولی التزام به تعهد مزبور حد و مرزی دارد که بعضاً در قرارداد این حدود معین می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به مواد ۴۶، ۴۸ و ۴۹ شرایط عمومی پیمان برای کارفرما، اشاره نمود. اما قبول حق فسخ در قراردادهای در واقع به این دلیل است که، ایجاد وضعیت جدید، مفاد تراضی را تغییر داده و با دادن این اختیار به طرفی که از وضعیت جدید نفعش به خطر افتاده است نامبرده می‌تواند قرارداد را فسخ نموده و یا خود را با شرایط جدید تطبیق داده، به ادامه قرارداد رضایت دهد یا ضرر ناروای ناشی از عقد به حکم قاعده لاضرر باعث می‌شود که حکم «لزوم» برداشته شود و اختیار به جای آن جایگزین شود و زیان دیده بتواند عقد را فسخ کند. (علیزاده طباطبایی، ۱۳۷۱)

بررسی حق فسخ در پروژه‌های دولتی:

در ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان، قانونگذار به تبیین سیزده مورد از مواردی که کارفرما می‌تواند و نه اجباراً، موضوع پیمان را فسخ و پیمانکار را با شرایط ماده ۴۷ همین قانون، مواجه نماید. در ماده ۲۳۷ قانون مدنی در احکام تخلف از شرط فعل، مواردی اشاره شده است. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا در ماده ۴۶ به محض بروز تخلف از طرف پیمانکار، کارفرما مستقیماً فسخ را به آن طرف ابلاغ و اقدامات موضوع ماده ۴۷ را اجرایی می‌کند یا الزام وی را مطابق ماده ۲۳۷ قانون مدنی مطالبه می‌کند؟ آنچه از فحوی ماده ۴۶ بر می‌آید فسخ اعلامی با لحاظ یکی از بندهای سیزده گانه ماده مزبور عملی می‌شود بدون اینکه کارفرما مطالبه آن را به استناد ماده ۲۳۷ از طرف دیگر پیمان بنماید. ادامه ماده ۲۳۷ قانون مدنی ماده ۲۳۸ می‌باشد. جایی که اگر الزام متعهد میسر نباشد حاکم (مرجع قضایی) می‌تواند به خرج ملتزم، موجبات انجام آن فعل را فراهم آورد و متعاقباً در ماده ۲۳۹ اینگونه ابراز می‌شود که اگر اجبار مشروطه علیه برای انجام فعل ممکن نباشد و فعل وی هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند

از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت. در خصوص این سه ماده با مقایسه آن با ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان به این نتیجه می‌توان رسید که ماده ۴۶ خاص بوده و مواد قید شده مدنی را می‌توان تکمیلی قلمداد نمود نه امری. (قهرمانی، ۱۳۷۰) از سویی دیگر، اصول مشارکت در ریسک‌پذیری برای دو طرف مفید است، برای کارفرما که قراردادی را با مبلغ کمتری امضاء می‌کند و هزینه هایش تنها زمانی افزایش می‌یابد که ریسک‌های غیر متعارفی بروز نماید و برای پیمانکار که از برآورد و در نظر گرفتن هزینه اینگونه ریسک‌ها که چندان آسان هم نیست احتراز می‌کند. طی سال‌های اخیر، بازار کارهای اجرایی بطرف نوع قراردادهایی سوق پیدا کرده است که در آن نیاز به اطمینان از مبلغ نهایی و غالباً زمان تکمیل بسیار مهم می‌باشد. برای اینگونه پروژه‌های کلید در دست، کارفرمایان حاضر به پرداخت مبالغ بیشتر گهگاه بسیار بیشتر هستند. به شرط حصول اطمینان از این که مبلغ نهایی توافق شده است تجاوز نماید. حال به شرح همین مورد در شرایط عمومی پیمان در ایران می‌پردازیم این نوع قرارداد بیشتر راه را برای کارفرما هموار می‌کند و باعث ضعف در پیمانکار می‌شود، چون این نوع قراردادها بیشتر، کارفرمایان دستگاه دولتی بوده اند. بیشترین مفاد این قرارداد به سود کارفرما است. همان طور که در قرارداد فیدیک، کارفرمایان اشخاص متخصص هستند که حاضر به پرداخت مبالغ بیشتر و گاهی بسیار بیشتر هستند به شرط آن که مبالغ نهایی توافق شده تغییری نکند اما در قرارداد شرایط عمومی پیمان، کارفرمایان به کاهش مبالغ اولیه می‌پردازند و به افزایش مبالغ بعد از آن فکر نمی‌کنند و اهمیتی قائل نمی‌شوند و همین امر باعث شکست در توان مالی بعضی از پروژه‌ها می‌شود زیرا اینگونه پروژه‌ها در مبالغ اولیه پیمان تغییرات سنگینی را در بر دارد. (آروین ۱۳۹۴) (رواقی اردبیلی، ۱۴۰۲)^۱

۱- تطبیق و تحلیل ماده ۴۳ شرایط عمومی پیمان در مصوبه‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۷۸

تطبیق ماده ۴۳ شرایط عمومی پیمان در دو مجموعه شرایط عمومی پیمان مصوب‌های سال ۱۳۵۹ و ۱۳۷۸ تغییر مهمی را، بدین ترتیب که نسبت به اضافه نمودن «...حوادث مشابه خارج از کنترل دو طرف پیمان که در منطقه اجرای کار وقوع یابد و ادامه کار را برای پیمانکار ناممکن سازد، جزو حوادث قهری به شمار می‌رود و ...» اقدام نموده است. در صورتی که تورم و تأثیر نامتعارف آن بر حقوق پیمانکار و یا در فهرست بهاءهایی که عمده عملیات اجرایی آن تهیه و نصب تجهیزات و ماشین آلات وارداتی، نمونه‌های از این بند می‌باشد. در این راستا، بررسی پارامترهای حوادث مشابه، خارج از کنترل و منطقه اجرای کار امری لازم و ضروری می‌باشد. (رواقی اردبیلی، ۱۴۰۲)^۲

۲- تورم در موضوع ماده ۴۳ شرایط عمومی پیمان:

موضوع تورم به صراحت جمله «حوادث مشابه خارج از کنترل دو طرف پیمان که در منطقه کار وقوع می‌یابد و ادامه کار را برای پیمانکار ناممکن می‌سازد جزو حوادث قهری به شمار می‌رود...». که در این حالت پیمانکار به دلیل ایجاد حق برای وی، به استناد همین ماده، قابلیت و استحقاق فسخ و متعاقبا خاتمه پیمان را خواهد داشت. زیرا آثار ناشی از فسخ و خاتمه پیمان تا به مرحله ناتوانی پیمانکار در عملیات اجرایی موضوع پیمان یکسان خواهد بود. همین موضوع در سطر اول ماده ۴۸ هم مورد تاکید قرار گرفته است که «هر گاه پیش از اتمام کارهای موضوع پیمان، کارفرما بدون آنکه تقصیری متوجه پیمانکار باشد، بنا به مصلحت خود یا علل دیگر تصمیم به خاتمه دادن پیمان بگیرد، خاتمه پیمان را با تعیین آماده کردن کارگاه برای تحویل، که نباید بیشتر از ۱۵ روز باشد، به پیمانکار ابلاغ می‌کند...» (رواقی اردبیلی، ۱۴۰۲)^۱

بررسی قراردادهای بین‌المللی با قابلیت حق فسخ برای طرفین:

امروزه قراردادهای بین‌المللی منجمه قرارداد بین‌المللی زیرمجموعه فیدیک که مورد تایید مراکز مالی و بانکی بین‌المللی نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک توسعه اسلامی و... می‌باشد به منظور ایجاد رویه واحد در عرصه خدمات مهندسی، که حاصل تجربه، نگاه منصفانه و عدالت محور در حوزه قراردادها می‌باشد تعلق حق فسخ به پیمانکار در راستای حفظ منافع وی در برابر تغییرات، شرایط ناهمگون و نامتعارف را، امری بدیهی می‌داند. که به اختصار در دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد. (یوسفی صادقلو، رواقی اردبیلی ۱۴۰۲: ۱۶۳)

۱- امکان تغییر قرارداد (خدمات) در قراردادهای فیدیک:

در بند ۳-۴ ماده ۳ شرایط عمومی فیدیک مهندسان مشاور (فیدیک سفید) پیش‌بینی تغییر قرارداد به درخواست هر طرف و با توافق کتبی طرفین میسر است. (پرچی جلال و حیدری مهارلوئی ۱۳۹۸، ۹۱) و همچنین در بند ۳، ۱۳ شرایط پیمان در فیدیک قرمز با موضوع «رویه تغییر» به توافق طرفین (فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور ۱۳۹۶، ۳۷)، امکان تغییر قرارداد بنا به درخواست هر طرف بصورت پیشنهاد پیش‌بینی شده است. پذیرش این آئتم از سوی فدراسیون بین‌المللی مهندسان مشاور که نقش بی‌طرفانه‌ای در تدوین این قراردادها دارد حاوی پیامی برای تصویب کنندگان بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولتی می‌باشد که اقتدارگرایی هر چند به نفع مصلحت اجتماعی، نتیجه‌ای جز شکست در پروژه‌ها بالاخص اعمال ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان بالاخص در بازه‌ای از زمان که تورم عامل رکود

^۱ پایان نامه.

اقتصادی کشور گردیده است نمی‌تواند مثر مثر واقع شود و بناچار باید به سمت عدالت‌گرایی گام برداشته شود.

۲- بررسی تطبیقی موادی از شرایط عمومی همسان قرارداد خدمات مشاوره و شرایط عمومی پیمان (حوادث قهری)

با نگاه دقیق به قیاس مواد ۲۱ و ۲۸ شرایط عمومی همسان و ماده ۴۳ شرایط عمومی پیمان مصوب ۱۳۵۹ مشاهده می‌شود واژگان هر دو به استثناء اینکه در همسان مسبب حادثه مهندس مشاور نباشد و در پیمان مصوب ۱۳۵۹ ناشی از کار پیمانکار نباشد با یکدیگر مشابه می‌باشد که این تغییر در مصوب ۱۳۷۸ سازمان برنامه و بودجه با اندک تغییراتی که در آن مسئولیت مطلق برای پیمانکار در نظر نگرفته و حوادث مشابه خارج از کنترل دو طرف پیمان را در منطقه اجرای کار که برای پیمانکار ناممکن ساز لحاظ نموده است که نوعی رویکرد مثبت نسبت به حقوق پیمانکار در اعمال ماده ۴۸ را می‌نماید. هر چند در جهت اهداف مصلحت برنامه توسعه چهارم و پنجم و ششم اعمال تعدیل قرارداد امری منطقی و معقولانه می‌باشد. در بند ۱-۲۸ ماده ۲۸ همسان شرایط عمومی همسان قرارداد خدمات مشاوره، «در صورت بروز شرایط اضطراری که انجام قرارداد حاضر را برای یکی از دو طرف غیرممکن سازد می‌تواند پایان قرارداد را به طرف دیگر اعلام کند». این موضوع و موضوع بند ۲۸-۲ همین قرارداد با مجموعه شرایط عمومی پیمان مصوب ۱۳۵۹ و ۱۳۷۸ برنامه و بودجه مشاهده نمی‌شود. به عبارتی هر گاه شرایط اضطراری مقطعی نباشد و مورد از موارد تعلیق، آن هم با رضایت متعهد (پیمانکار) هم نباشد، ادامه قرارداد به مانند تورم ایجاد شده در وضعیت فعلی کشور که عملاً دایمی می‌باشد مطابق ماده ۲۸ با رعایت تشریفات قانونی، اقدام به خاتمه پیمان، که امری منطقی و قطعی می‌باشد صورت خواهد گرفت.

۳- تأثیر شرایط نامتعارف در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی:

کوشش‌های انجام شده در راه وحدت بین‌المللی حقوق تا این زمان، اساساً به شکل اسناد الزام آور از قبیل قانونگذاری فراملی یا کنوانسیون‌های بین‌المللی یا حقوق نمونه، درآمده است. از آنجا که این اسناد غالباً در حکم نامه متروک باقی می‌مانند و خصلتاً مقطعی می‌باشند، درخواست‌های زیادی دایر به توسل به ابزارهای غیر تقنینی وحدت یا هماهنگی حقوق صورت می‌گیرد. قسمت اعظم اصول یونیدروا (UNIDROIT) بازتاب مفاهیمی است که در همه نظام‌های حقوقی یا دست کم در بسیاری از نظام‌های حقوقی یافت می‌شود، معیناً از آنجا که این اصول به منظور فراهم کردن نظامی از قواعد که به ویژه متناسب با نیازهای معاملات بازرگانی بین‌المللی باشد، در نظر گرفته شده‌اند. لذا آنچه را که بهترین راه حل‌ها تصور شده هر چند تاکنون عموماً اتخاذ نشده باشند مجسم می‌کنند.

هدف این اصول عبارت است از برقراری مجموعه متوازنی از قواعد طراحی شده جهت استفاده در سراسر جهان، قطع نظر از سنن حقوقی و شرایط اقتصادی و سیاسی کشوری که باید در آن اجرا شوند. این هدف، هم در ارایه شکلی اصول و هم در رویه عمومی مبنای آنها بازتاب یافته است. (نوری ۱۳۷۸، ۶)

۱-۳. قوه قاهره (فورس مازور) در قراردادهای بازرگانی بین‌المللی:

ماده ۷-۱-۷ اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی یونیدروا (۲۰۱۶) شامل زمینه‌ای است که نظام‌های حقوقی عرفی^۱ با دکترین انتفاء یا عقیم شدن^۲ و عدم امکان^۳ اجرای تعهد در نظام‌های حقوق مدنی با دکترین‌هایی از قبیل فورس مازور، عدم امکان و غیره مطرح کرده‌اند. اصطلاح فورس مازور به این دلیل انتخاب شده است که در رویه تجارت بین‌الملل، مشهور است در بسیاری از قراردادهای بین‌المللی، شروط معروف به «فورس مازور» درج شده‌اند. این ماده، حقوق متعهدله را نسبت به فسخ، در صورتی که عدم ایفاء بنیادی باشد محدود نمی‌کند. در صورت اقتضاء متعهدله می‌تواند، متعهد را از خسارت، بری کند. در برخی موارد، وجود مانع از اجرای هر گونه تعهد جلوگیری می‌کند اما در بسیاری از موارد دیگر، سبب تاخیر اجرای تعهد می‌گردد و اثر این ماده این خواهد بود که جهت اجرای تعهد، مدت اضافی اعطاء شود. قابل ذکر است که در این حالت، ممکن است مدت اضافی بیشتر (یا کمتر) از طول مدت وقفه باشد، زیرا مسئله حاد این است که میزان اثر وقفه بر پیشرفت قرارداد، معین و مشخص گردد. تعریف فورس مازور در بند ۱ این ماده، لزوماً تا حدودی خصیصه عمومی است. قراردادهای بازرگانی بین‌المللی، غالباً در این خصوص، متضمن مقررات مفصل‌تر و دقیق‌ترند. بنابراین، طرفین در صورت اقتضاء می‌توانند مفاد و محتوای این ماده را با در نظر داشتن ویژگی‌های خاص معامله معین، تعدیل کنند. (نوری ۱۳۷۸، ۱۹۸-۱۹۹)

۲-۳. فسخ قرارداد:

فسخ قرارداد به دلیل بروز مواردی که خارج از اراده طرفین می‌باشد در حقوق اروپا^۴ (اصول حقوق قرارداد اروپا) مورد تأکید قرار گرفته است. موضوعی که علیرغم پیشرفت علوم، امکان تبادلات ارتباطی در حقوق ایران چه در حقوق مدنی یا شرایط عمومی پیمان مورد توجه قرار نگرفته است. «اصول حقوق قرارداد

^۱ Common Law

^۲ Frustration

^۳ Impossibility

^۴ Principles of European contract law (PECL). 2001

اروپا، محدود به اروپا نبوده و فراگیر است. این قانون می‌تواند منبع نخستین در اصلاح قواعد عمومی قراردادهای میهن عزیزمان ایران باشد. «(حبیبی درگاه ۱۴۰۰، ۱۳)»
قراردادی که می‌بایست در بخش‌های مجزا (جداگانه) اجرا می‌شود زمانی که قرار است در بخش‌های مجزا و جداگانه اجرا شود و عدم اجرای قرارداد نسبت به بخشی از قرارداد اساسی باشد، متضرر می‌تواند بر اساس این بخش، حق خود را برای فسخ در رابطه با بخش مورد نظر اعمال کند. وی می‌تواند کل قرارداد را فسخ کند به شرط این که عدم اجرای تعهد قراردادی نسبت به کل قرارداد، اساسی باشد.^۱ (حبیبی درگاه ۱۴۰۰، ۶۳) از سویی دیگر پیش‌بینی پیامدهای احتمالی که موثر در عدم ایفای تعهدات می‌باشد باید به گونه‌ای باشد که عرفاً بتوان منتسب نمود. «طرفی که تعهداتش را ایفاء نمی‌کند، تنها مسئول خسارت‌هایی است که در زمان انعقاد قرارداد به عنوان پیامدهای احتمالی ناشی از عدم اجرای تعهدات، آن‌ها را پیش‌بینی می‌کرد یا به طور متعارف می‌توانسته پیش‌بینی کند مگر این که عدم اجرای تعهدات ارادی و یا با بی احتیاطی فاحش باشد.»^۲ (حبیبی درگاه ۱۴۰۰، ۶۶). علاوه بر آن، در قراردادهای متحدالشکل اتاق بازرگانی بین‌المللی ICC در فرم‌های کوتاه شده قرارداد نمایندگی تجاری بین‌المللی اتاق بازرگانی بین‌المللی و قراردادهای توزیع بین‌المللی (وارد کننده انحصاری توزیع کننده انحصاری) حق فسخ با رعایت شرایطی در نظر گرفته است. (-----، ۱۳۸۵، ۳۰ و ۴۸)

دستورالعمل نحوه جبران آثار ناشی از شیوع بیماری کرونا در قراردادهای پیمان‌های ریالی:
در این دستورالعمل^۳ که در قالب بخشنامه به دستگاه‌های اجرایی، مهندسان مشاور و پیمانکاران ابلاغ

^۱ ماده ۳۰۲-۹ فسخ قرارداد.

^۲ ۵۰۳-۵۰۳ قابلیت پیش‌بینی.

^۳ به موجب بند "ج" لایحه قانونی اصلاح تبصره ۸۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۶ کل کشور (مصوب سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب)، به استناد آیین نامه نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور (مصوبه هیات وزیران به شماره ۲۵۲۵۴/ت/۵۷۶۹۷ هـ مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۰۸)، ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه و ماده ۳۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه‌ای کشور، این دستورالعمل که به تصویب شورای عالی فنی کشور رسیده است، به منظور جبران آثار ناشی از شیوع بیماری کرونا (کووید ۱۹) بابت رعایت پروتکل‌های بهداشتی ابلاغی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در قراردادهای پیمان‌های ریالی که در دامنه کاربرد آیین نامه نظام فنی و اجرایی یکپارچه کشور (ماده ۳ آیین نامه مذکور) تعریف گردیده و آخرین مهلت ارائه پیشنهاد قیمت از سوی پیمانکار (منظور از پیمانکار در این دستورالعمل شامل پیمانکاران از قبیل پیمانکاران سه‌عاملی، طرح و ساخت و بهره‌برداران، تولیدکنندگان مصالح و تجهیزات می‌باشد) و یا مشاور قبل از تاریخ ۱ اسفند ۱۳۹۸ (و قراردادهای خدمات مشاوره‌ای که به روش تعرفه تا ۳۱ خرداد ۱۴۰۰ منعقد شده باشند)، بوده است، به شرح زیر در ۳ صفحه ابلاغ می‌گردد تا راهنمای عمل دستگاه‌های اجرایی و کارفرمایان مربوط برای پرداخت مبالغ جبرانی ناشی از شیوع بیماری کرونا در کارکردهای ۱۵ فروردین ۱۳۹۹ تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۰ قرار گیرد.

گردیده است، در ماده ۵^۱ تمهیداتی در خصوص جبران خسارت ناشی از تاخیرات غیرمجاز و همچنین اعمال ضرایبی مطابق جدول ۱ برای جبران خسارات ناشی از این بیماری به دلیل کاهش نیروی انسانی، تلفات ناشی از آن و همچنین اعمال محدودیت‌ها در فاصله گذاری اجتماعی که عملاً در پروژه‌ها میسر نمی باشد اتخاذ شده است. به عبارتی این بخشنامه، مهر تاییدی است برای شناخت حق فسخ پیمانکاران به استناد آن بخش از ماده ۴۳ شرایط عمومی پیمان که «...حوادث مشابه خارج از کنترل دو طرف پیمان که در منطقه اجرای کار وقوع یابد و ادامه کار را برای پیمانکار ناممکن سازد، جزو حوادث قهری به شمار می‌رود...» که برای پیشگیری از اعمال این حق فسخ، بخشنامه‌ای با محتوای مزبور ابلاغ می‌شود. هر چند اعمال این بخشنامه به استناد اصول حقوقی برای متعهد (پیمانکار) که رضایت به اعمال این ضرایب نداشته باشد به جهت خدشه در قصد و رضای ناشی از زمان عقد متصور نمی باشد. (یوسفی صادق‌لو، رواقی اردبیلی ۱۴۰۲ : ۱۷۹) موضوعی که نشانگر امکان ایجاد تغییر و انعطاف در قراردادهای دولتی می‌باشد.

رویه قضایی:

در اسباب موجه پرونده حقوقی شعبه ۱۵ دادگاه عمومی حقوقی کرمانشاه به شماره دادنامه ۹۰۰۹۹۷۸۳۱۱۵۰۱۱۱۳ مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۳ «...نظر به اینکه، اولاً از نظر حقوقی هر قرارداد مستمری در بردارنده این شرط ضمنی است که توافق تا زمانی معتبر است که شرایط و اوضاع و احوالی که در زمان انعقاد عقد، مبنای اصلی تراضی قرار گرفته، دچار دگرگونی نشده باشد... که حاکی از انطباق این نظر با حقوق فرانسه و دیگر قوانین حقوقی پیشرفته که در آن تغییر اوضاع و احوال با رعایت شرایط اشاره شده در فصول مورد بحث این تحقیق در زمان اجرای موضوع پیمان را سبب عدم مسئولیت برشمرده است.

نتیجه:

با توجه به بروز تورم که حتی اگر در زمان انعقاد قراردادهای دولتی در پروژه‌های دولتی هم قابل پیش بینی بوده باشد این پیش بینی با آنچه در ذهن پیمانکار (شرط تباری) که تشکیل دهنده رضا و قصد بوده

۱ ماده ۵: درکارهای پیمانکاری مبلغ ناخالص کارکرد صورت وضعیت‌های موقت و قطعی (تعدیل و مابه التفاوت) مشمول دریافت مبلغ جبرانی می شود و در کارهای مشاوره، مفاد این دستورالعمل به صورت حساب‌های موقت و قطعی اعمال می‌شود. تبصره ۱- مبلغ جبرانی محاسبه شده برای هر صورت وضعیت کارکرد پیمانکار یا صورت حساب مشاور، در همان صورت وضعیت کارکرد پیمانکار یا صورت حساب مشاور به صورت یک ردیف مجزا درج می‌شود. همچنین، مبالغ جبرانی محاسبه شده برای صورت وضعیت‌های پرداخت شده در یک صورت حساب جداگانه درج می‌گردد. تبصره ۲- در دوره تاخیرات غیرمجاز، مبالغ جبرانی محاسبه شده طبق این دستورالعمل، به میزان ۵۰ درصد کاهش می‌یابد.

باشد هم در تضاد خواهد بود. با بروز تورم در زمان اجرای عملیات موضوع پیمان، که خارج از قصد و اراده طرفین در زمان انعقاد عقد یا طی مدت ادامه دار بودن تورم در حین اجرای پروژه و یا تغییر ناگهانی درصد تورم (شیب نموداری هزینه به زمان) می‌باشد پیش کشیدن تعدیل مطابق با قانون مدنی سستی، جهت جبران خسارت در صورتی که بصورت شرط ضمن عقد وارد نشده باشد امری نادرست می‌باشد. شاید این استدلال اینگونه مورد نقد قرار گیرد که، حوزه حقوق اعتباری می‌باشد و نقش اراده طرفین در هر زمان قابل تعمیم می‌باشد ولی این استدلال که برخی فقهای متأخر هم بدان تاکید داشته‌اند نمی‌تواند بنا و چهارچوب اصول و قواعد منطقی حقوق را با چالش روبرو نماید، زیرا تحقق یک قصد که منجر به ایجاد رابطه حقوقی می‌گردد ماحصل و نتیجه اراده‌ای است در زمان و مکان و شرایط و اوضاع و احوال خاص در آن زمان و تعمیم آن با استدلال به استصحاب در یک زمان و مکان دیگر دور از منطق حقوقی می‌باشد. عدم توجه قانونگذار نسبت به بروز نمودن قوانین مطابق با نیازهای روز، منجمله شرایط عمومی پیمان در قیاس و تطبیق دیگر قراردادهای بین‌المللی، از دیگر مواردی است که قابل انتقاد می‌باشد. وقتی اراده‌ها و متعاقبا رضا و قصد زمان عقد دچار چالش می‌شود استناد به تعدیل در صورت عدم درج شرط ضمن عقد، در جهت ادامه حیات قرارداد هر چند با رضایت متعهد (پیمانکار) با خلاء قانون مواجه است و تنها می‌توان به فسخ که متعلق به حقوق پیمانکار می‌باشد تاکید نمود. هر چند این موضوع در شرایط عمومی پیمان تبیین نگردیده است ولی با توجه به اینکه روح همه قوانین از انصاف (هر چند اندک)، حسن نیت و احترام به اخلاق حسنه نشأت می‌گیرد نیاز به تغییر دیدگاه و اعمال آن در بازنویسی شرایط عمومی پیمان امری یقینی می‌باشد و نمی‌توان صرفا با تکیه بر اینکه پروژه‌های دولتی در راستای منافع عمومی و برای رفاه و خدمات عمومی تصویب می‌شوند حقوق پیمانکار نادیده گرفته بشود. نتیجتا اینکه فسخ، حقی است که در نهایت عادلانه بودن در چهارچوب حقوقی برای پیمانکار، در صورت بروز تورم باید متصور گردد.

منابع:

- آروین، حوریه. (۱۳۹۴). «بررسی شرایط عمومی فیدیک با نگاهی به شرایط عمومی پیمان داخلی». گروه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه شهید بهشتی.
- اسدی، عباس. پارساپور، محمداقبر. بادینی، حسن. (۱۳۹۷). «حمایت از طرف ضعیف قرارداد از طریق حقوق اساسی». نشریه پژوهش حقوق خصوصی. شماره ۲۳، ص ۱۷، ۲۶ و ۲۸.
- الماسی، نجادعلی. عزیزی، پوراندخت، افشارنیا، طیب. (۱۳۹۹). «بررسی و ارزیابی اخلاقی از تعدیل قرارداد در حقوق ایران و فقه امامیه». نشریه پژوهش‌های اخلاقی. شماره ۴۱، سال یازدهم، شماره ۱، ص ۱۷۳ و ۱۸۸.
- امامی، میرسیدحسن. (۱۳۹۵). حقوق مدنی، جلد اول. تهران، انتشارات اسلامی.

- پرچمی جلال، مجید. حیدری مهارلوئی، رسول. (۱۳۹۸). «راهنمای جامع مدیریت قراردادهای مشاوران». تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- تقی‌زاده، ابراهیم. احمدی، افشین. (۱۳۹۴). «جایگاه شروط غیرمنصفانه در حقوق ایران با نگاهی به ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی». نشریه پژوهش حقوق خصوصی. شماره ۱۰، ص ۱۷ و ۲۹.
- جلالی، محمود. آرابی، حمید. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی دکرترین تغییر بنیادین اوضاع و احوال در حقوق ایران و حقوق بین الملل». نشریه نامه مفید. شماره ۸۲، ص ۱۴۶.
- حبیبی درگاه، بهنام. (۱۴۰۰). «اصول حقوق قرارداد اروپا». تهران: انتشارات مجد.
- رزاقی، شعله. (۱۳۹۵). «مقایسه نهاد فسخ در شرایط عمومی پیمان و قراردادهای نمونه فیدیک». گروه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران (پردیس بین‌المللی کیش).
- رواقی اردبیلی، سهیل. (۱۴۰۲). «تاثیر تورم غیرمعمول و غیرقابل پیش بینی در ایجاد حق فسخ برای پیمانکار در پروژه‌های مبتنی بر شرایط عمومی پیمان». پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه حقوق. دانشکده حقوق و الهیات و علوم سیاسی. دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات تهران.
- رواقی اردبیلی، سهیل. (۱۴۰۲). «امکان سنجی حق فسخ پیمانکار در پروژه‌های دولتی یا عمومی». چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق ساخت. دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی. تهران. ایران.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۹۸). «تشکیل قراردادها و تعهدات». تهران، انتشارات مجد.
- شیروی، عبدالحسن. (۱۳۸۱). «نظریه غیرمنصفانه و خلاف وجدان بودن شروط قراردادی در حقوق کامن لا با تاکید بر حقوق انگلستان، آمریکا و استرالیا». نشریه مجتمه آموزش عالی قم. شماره ۱۴، ص ۱۱-۱۲.
- طباطبائی موتمنی، منوچهر. (۱۳۸۷). «حقوق اداری». تهران، انتشارات سمت.
- عادل، مرتضی. شمس‌الهی، محسن. (۱۳۹۷). «شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف کننده». نشریه پژوهش حقوق خصوصی. شماره ۲۵، ص ۲۰۸، ۲۱۱-۲۱۳.
- علیزاده طباطبائی، سید محمود. (۱۳۷۱). «فسخ قراردادهای پیمانکاری توسط کارفرما در شرایط عمومی پیمان». پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه شهید بهشتی.
- قهرمانی، نصراله. (۱۳۷۰). «پیمان‌های دولتی و فسخ یکجانبه آنها». پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه حقوق. دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۷). «قواعد عمومی قراردادها»، جلد چهارم. تهران، انتشارات گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۵). «قواعد عمومی قراردادها»، جلد پنجم. تهران، انتشارات سهامی انتشار.
- نوری، محمدعلی. (۱۳۷۸). «اصول قراردادهای بازرگانی بین‌المللی». تهران، انتشارات گنج دانش.

- یوسفی صادق‌قلو، احمد. رواقی اردبیلی، سهیل. (۱۴۰۲). « حق فسخ پیمانکار در پیمان‌ها ». تهران. انتشارات دادگستر.
- (۱۳۸۵). «فرم خلاصه قراردادهای متحدالشکل اتاق بازرگانی بین‌المللی ICC». ترجمه هادی دستباز. تهران، انتشارات کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی.
- (۱۳۹۶). «شرایط پیمان در پیمان‌های ساخت و اجرا». تهران، انتشارات سمر.

References:

- Adel, M. & Shamsoullahi, M. (2018). Unfair Contract Terms in Consumer Contracts. Journal of Private Law Research, Vol. 25. (in Persian).
- Alizadeh Tabatabaei. S. M. (1992). Termination of contracting contracts by the employer in the general conditions of the contract. Tehran, Department of Private Law, Faculty of Law & Political Science, Shahid Beheshti University,. (in Persian).
- Almasi, N., Azizi, P. & Afshar Nia, T. (2020). Ethical review and evaluation of contract modification in Iranian law and Imami jurisprudence. Ethical research Journal. Vol. 41. Pp. 173.188. Tehran. Iran. (in Persian)
- Arvin, H. (2015). Investigation of FIDIC General Conditions with regarded to the General Conditions of Construction Contract of Iran. Tehran, Department of Private Law, Faculty of Law & Political Science, Shahid Beheshti University, Tehran. (in Persian)
- Asadi, A. & Parsapour, M.B. & Badini, H. (2018). The Protection of weaker contractual party by constitutional rights. Journal of Private Law Research. Vol. 23. pp. 17, 26, 28. (in Persian)
- Azizi, P. & Almasi, N.A. & Afshar Nia, T. (2020). Ethical review and evaluation of contract modification in Iranian law and Imami feqh, Vol. 42, 11(41), pp. 173, 188. (in Persian).
- Emami, M.s.h. (2016). Civil law. Tehran: Islamiyeh pub. Vol. 1.
- Ghahramani, N. (1991). Government contracts and their unilateral termination. Tehran, Department of Private Law, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran. (in Persian).
- Habibi Darghah, B. (1400). Principle of European Contract Law. Tehran: Majd pub. (in Persian).
- Jalali, M. & Araei, A. (2010). Comparative Examination of Doctrine of "Rebus Sic Stantibus" in International Law and in the Iranian Legal System. Vol. 82. Journal of Mofid letter, Vol 82. pp. 146. (in Persian).
- Katouzian, N. (2018). General rules of contracts. Tehran. 4 volume. Ganj Danesh Pub. (in Persian).
- Katouzian, N. (2016). General rules of contracts. Tehran. 5 Volume. Sahami Enteshar Pub. (in Persian).
- Nouri, M. (1999). Principles of International Commerical Contracts. Tehran: Ghanj Danesh Pub. (in Persian).

- Parchami, J. & Heydari Maharlouei.M. (2019). Mngagment of Consulats Contracts: A Comprehensive Guide. Tehran:University of Tehran Press. (in Persian).
- Ravaghi Ardabili, S. (2023). The impact of unusual and unpredictable inflation in creating the right of termination for the contractor in projects based on the general terms of the contract. Tehran, Department of Private Law, Faculty of Law, Theology & Political Science, Islamic Azad University Science and Research Branch. (in Persian).
- Ravaghi Ardabili, S. (2023). Feasibility of the contractor's right to terminate in government or public projects. 4th International Construction Law Conference. Tehran. Iran. (in Persian).
- Razzaghi, Sh. (2017). Comprasion & Recision between Conditions of Contacts and the Contracts of FIDIC. Tehran, Department of Private Law, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Tehran. (in Persian).
- Shahidi, M. (2019). Creating contracts and obligations. Tehran: Majd pub. (in Persian).
- Shiravi, A. (2002). The theory of unfairness and unconscionability of contractual terms in common law with emphasis on English and American law. Journal Mojtamae Amozesh Alei Qom. Vol. 14, Pp. 11-12. (in Persian).
- Tabatabai Motamani, M. (2008). Administrative Law. Tehran: Samt Pub. (in Persian).
- Taghi Zadeh, E. & Ahmadi, A. (2015). Unfair Terms in Iranian Law in View of Article “46” of Iranian Electronic Commerce Act. Journal of Private Law Research, Vol. 3 (10), pp. 17,29. (in Persian).
- Yousefi sadeghloo, A & Ravaghi Ardabili, S. (2024). The contractor's right to terminate contracts. Tehran. Dadgostar Pub. (in Persian).
- (2006). The ICC Short Form Model Contracts. Tehran: Icc-Iran Pub. (in Persian).
- (2017). Conditions of Contract for Construction. Switzerland: FIDIC Pub.